

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۷/۱۱/۲۴

موضوع: «پاسخ به شبهات فاطمیه»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت، سپاس می‌گوییم و ایام شهادت جانسوز و مظلومانه صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان و دلباختگان اهل بیت عصمت و طهارت تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم. خدا را به آبروی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم پاداش ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد ان شاء الله.

موضوعی بحثی که دوستان اعلام فرموده بودند در رابطه با شبهات مربوط به فاطمیه و صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است. اولاً قبل از آن که شبهه‌ای مطرح بشود من به چند نکته اشاره کنم، عزیزان ما دقت کنند اگر ما خوب به بحث صدیقه طاهره توجه نکنیم خیلی از قضایا و اختلافاتی که میان شیعه و سنی، شیعه و وهابیت است قطعاً برطرف خواهد شد.

به نظر می‌رسد اگر موضوع فاطمه زهرا را بتوانیم خوب تحلیل کنیم و حق مطلب را ادا کنیم خیلی از شبهات مربوط به امامت و ولایت، عاشوراء، مهدویت و عصمت حل خواهد شد؛ چون با توجه به محوریت صدیقه طاهره و جایگاه صدیقه طاهره در میان شیعه و سنی بویژه در کتاب‌های معتبر اهل سنت خیلی از مسائل روشن می‌شود.

روایاتی که در منابع اهل سنت آمده:

### «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»

فاطمه پاره‌ی وجود من است!

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب

البغا، ج ۳، ص ۳۵۰۹، ح ۳۵۱۰

### «فاطمة قلبي و رحي التي بين جنبي»

فاطمه قلب، روح و جان من در درون سينه‌ام است

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ۱۱۱ جلد،

دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۱؛ ص ۵۹

این تعابیر، تعابیر خیلی سنگینی است و برای صدیقه طاهره یک جایگاهی را معین می‌کند که اگر این جایگاه جا بیافتد خیلی از مسائل حل می‌شود. این متن «صحيح بخاری» است که آقایان اهل سنت بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب می‌دانند.

### «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

...غضب حضرت زهرا، غضب من هست

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦ ،  
دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب  
البغا، ج ٣، ص ١٣٦١، ح ٣٥١٠

يا در «صحيح مسلم» چاپ «عربستان سعودی»، که بازهم جزء اصح الكتب بعد از قرآن است دارد:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إنما فاطمة بضعة مني»

...فقط فاطمه پاره وجود من است...

کلمه «إنما» دلیل بر حصر است؛ یعنی آن که می‌تواند نمایانگر وجود مقدس رسول اکرم در جامعه باشد صدیقه  
طاهره است.

«يُؤذِنِي مَا آذَاهَا»

آنچه که موجب اذیت زهرا شود اذیت من است.

صحيح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ٢٦١ ، دار  
النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٠٣، ح ٢٤٤٩

دقت کنید اذیت زهرا، اذیت پیغمبر است، قرآن هم می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)

بی‌گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می‌رسانند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده

سوره احزاب (٣٣): آیه ٥٧

اولاً دقت بشود که واژه «إنما»؛ یعنی حتی در رابطه با حضرت امیر و امام حسن و امام حسین (سلام الله علیهما) این تعبیر نیست، به عبارت دیگر پیغمبر اکرم می‌خواهند بفهمانند که: صدیقه طاهره، همسنگ من است، سخن او سخن من است، رضایت او، رضایت من است. غضب و خشم او، غضب و خشم من است.

بعد از رحلت پیامبر گرامی که جامعه دچار انحراف می‌شود، خلیفه به حق رسول اکرم و وصی و جانشین به حق او را کنار می‌زنند و صحنه‌گردانی می‌کنند، برای خیلی‌ها امر مشتبه می‌شود که قضیه چیست؟ حق کجاست؟ باطل کجاست؟ همه کسانی که در دو جبهه هستند صحابه پیغمبر هستند، سطح معلومات مردم در آن حدی نیست که بتوانند تحلیل کنند و حق را بدون پالایش تشخیص بدهند.

یک طرف علی ابن ابیطالب (سلام الله علیه)، «سلمان»، «ابوذر»، «مقداد»، «عمار»، «طلحه» و «زبیر» هستند، «طلحه» و «زبیر» - که آن زمان در این جبهه بودند ولی متأسفانه بعداً دنیا کاری کرد که صد و هشتاد درجه تغییر جهت دادند!- آن طرف هم «ابوبکر»، «عمر»، «خالد ابن ولید»، «سعد ابن ابی وقاص» و «عبدالرحمن ابن عوف» و... هستند این‌هایی که یک عمر در رکاب پیغمبر شمشیر زدند. همه این‌ها از بزرگان صحابه هستند و مردم نگاه می‌کنند و معطل می‌مانند چه کار بکنند؟ به کدام طرف بروند؟ در این جا نقش صدیقه طاهره به عنوان پاره وجود رسول اکرم، کاملاً خودش را نشان می‌دهد و تنها کسی که از امیر المؤمنین جانانه حمایت می‌کند و تا آخرین نفسش از حمایت امیر المؤمنین به عنوان ولی امر و امامش نه به عنوان همسرش دفاع می‌کند صدیقه طاهره است!

آن خطبه غرائی که در مسجد می‌خواند، آن سخنرانی و خطبه زیبا و اساسی که در جمع زنان «مهاجرین» و «انصار» می‌خواند، شبها در خانه «انصار» را می‌زند به تک تک افراد حق مطلب را ادا می‌کند و اتمام حجت می‌کند، به طوری که دیگر بارها شنیدید «ابن قتیبه دینوری» و دیگران دارند صدیقه طاهره در اثر صدماتی که بر بدن مطهرشان وارد شده بود توان راه رفتن نداشتند.

سوار بر حیوانی می شود در خانه «مهاجرین» و «انصار» را آن هم شبانه نه روزانه می زند و اتمام حجت می کند می فرماید:

«أنسیتم قول رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم من كنت مولاہ فعلي مولاہ»

سخن پیغمبر را در «غدیر خم» فراموش کردید چه فرمود؟

نزهة الحفاظ ، اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهاني المدني أبو موسى الوفاة: ۵۸۱ ، دار النشر : مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرضی محمد عبد المحسن، ج ۱، ص ۱۰۲

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۲ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش، ج ۱؛ ص ۱۷۳

(صحابه در جواب می گفتند:) یا فاطمه اگر قبل از این که ما با ابوبکر بیعت کنیم، این حرفهای شما را می شنیدیم حرف تو را قبول می کردیم حالا بیعت کردیم و تمام شد!  
حضرت فرمود:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

آیا بعد از «غدیر خم» پیغمبر، عذر و راه فرار و گریزی هم برای کسی گذاشت؟

ببینید این در حقیقت یک حجت تامه برای عموم مردم است که صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به عنوان بزرگ حامی امامت و ولایت و عاقبت هم جزء اولین شهدای راه ولایت و امامت از اهل بیت نامش ثبت می شود.

این یک نکته که برای ما باید الگو باشد. امروز که سیل شبهات به طرف مذهب شیعه و امامت و ولایت سرازیر است، باید فاطمه وار در صحنه حاضر بشویم و از جایگاه ولایت و امامت دفاع کنیم. دیگر زمان سابق نیست که شما بگویید آقا ما که توانایی نداریم، لباس نداریم تبلیغ و غیره نمی‌توانیم برویم. نه! امروز فضای مجازی و فضای سایبری تمام دنیا را به صورت یک دهکده کرده بلکه بالاتر از آن تمام دنیا به صورت یک مجموعه شده است.

شما وقتی وارد فضای مجازی می‌شوید، دنیایی از هجمه‌ها و شبهه‌ها متوجه فرهنگ اهل بیت است. وظیفه ما طلبه‌ها اولاً و بالذات پاسخگویی به شبهات است، خیلی از جوان‌ها اذهان‌شان مشوّش شده بچه شیعه‌های ما در رابطه با این شبهات تحت تأثیر قرار گرفته‌اند عقیده‌شان متزلزل شده است. وظیفه چه کسی است که به این‌ها پاسخ بدهد؟

من سال ۸۴ یا ۸۵ «مکه» بودم وقتی بعد از طواف بیرون می‌آمدم دوستانی که مشرف شدند می‌دانند «مسعی» باب امیر المؤمنین کجاست، دیدم دو تا از طلبه‌های مدرسه «آیت‌الله مجتهدی» که تقریباً این حوزه گل سرسبد حوزه‌های علمیه کشورمان هم از نظر علمیت هم از نظر تقوا و هم ولایتی بودن است، من را که دیدند آمدند دست من را گرفتند و به صورت عجیبی گریه می‌کردند می‌گفتند ای کاش پای ما شکسته بود به «مکه» نیامده بودیم! گفتم چرا؟ گفت ما با یک عقیده پاکی این‌جا آمدیم در «بیت الله الحرام» با یکی از وهابی‌ها آشنا شدیم، یک مطالبی گفت ما را به منزل یکی از مفتی‌ها برد، در آن‌جا یک سری شبهاتی مطرح کرد اصلاً ما آن عقیده‌ای هم که داشتیم از دست دادیم نمی‌دانیم چه خاکی به سرمان بریزیم؟

گریه می‌کردند و اشک از گونه‌های‌شان سرازیر بود! گفتند حاج آقا به داد ما برسید بیچاره و بدبخت شدیم! البته ما در آن سفری که با «آیت‌الله العظمی سبحانی» در «مدینه» بودیم و وارد «بقیع» شدیم حدود سی - چهل تا

از دانشجویها جلوی حاج آقای «سبحانی» را گرفتند گفتند حاج آقای «سبحانی» چرا به ما قبل از این که این جا بیاییم نمی‌گویید این جا چه خبر است؟

چقدر سیل شبهات متوجه بچه شیعه‌ها است؟ ما با یک قلب صاف و پاک آمده بودیم، الان داریم با یک قلب کدر به «ایران» بر می‌گردیم! شبهه اثر می‌گذارد در یکی - دو ثانیه شبهه می‌آید و چه بسا پاسخ به شبهات چندین ساعت طول بکشد.

اولاً من یکی از گلایه‌هایم این هست که این گلایه را هم خدمت حاج آقای «اعرافی» گفتم و هم به جناب آقای دکتر «عباسی» مسئول جدید «المصطفی» گفتم، ما باید یک مقداری طلبه‌هایمان را نسبت به بحث امامت و ولایت مجهزشان کنیم، تعدادی از شبهاتی که در فضای مجازی است این‌ها را بگوییم یکی از این آقایان که همه می‌شناسید می‌گفت آقا این شبهه‌ها را می‌گویید جوان‌های ما تا به حال نشنیدند آشنا می‌شوند و ذهن‌شان آلوده می‌شود! گفتم عجب! اگر شبهه را من نگویم و جوابش را من نگویم فردا این طلبه و این جوان برود یک جایی شبهه را بشنود بیچاره و بدبخت بشود و در دامن وهابیت و داعش سقوط کند آن خوب است؟!

من نمی‌دانم بعضی‌ها تفکرات خیلی عقب افتاده‌ای دارند! این همه شبهات در قرآن مطرح است، این همه ائمه (علیهم السلام) مطرح کردند و جواب دادند که تا به حال به گوش احدی هم نخورده است. مناظره حضرت موسی با فرعون و حداکثر شبهاتی که فرعون نسبت به توحید بلد است قرآن آن را مطرح کرده و همین‌طور شبهات نمرود را مطرح کرده است!

خدای عالم انواع و اقسام شبهات مشرکین «قریش» را در قرآن مطرح کرده است؛ آن وقت یک عده می‌گویند: آقا! شبهه مطرح نکنیم این خودش نشر شبهه است! من خدمت آقای «اعرافی» گفتم باید یک مقداری ما طلبه‌هایمان را از همان ابتدا مجهز کنیم، اولاً اذهان این‌ها نسبت به بحث ولایت و امامت آشنا بشود از آن اعتقادات تقلیدی بیرون بیاییم پدر و مادر من گفتند علی حق است من هم می‌گویم علی حق است آخر پدر و

مادرت اشتباه کردند، آن هم می‌گوید پدر و مادرم گفتند وهابیت حق است من هم می‌گویم وهابیت حق است، آخر این حرف شد! عذر برای ما نیست.

چهار تا جوانی که دور از حوزه‌ها و مجامع علمی هستند، شاید فردای قیامت عذری داشته باشند؛ ولی ما که عذری نداریم. من نمی‌گویم «فقه» و «اصول» و «ادبیات» را کنار بگذاریم، نه! باید ادبیات مان قوی باشد در حد یک متخصص در بحث «صرف»، «نحو»، «معانی و بیان» و «منطق» را باید خوب و دقیق و ظریف بخوانیم. اگر آن‌ها را خوب نخوانیم «فقه و اصول» مان قوی نباشد، در پاسخ به شبهات قطعا دچار مشکل می‌شویم!

ما باید عقبه کار را درست کنیم؛ ولی در کنار این دیگر نباید کارهایمان را منحصر به «فقه و اصول» و «ادبیات» خشک و بی‌روح کنیم! من بارها شده در کشورهای خارج که می‌روم طلبه‌هایی را می‌بینم که می‌گویند ما ده - دوازده سال در قم بودیم، درس‌هایی که به ما دادند و حرف‌هایی که به ما گفتند اصلا این‌جا استفاده نمی‌شود! الان در این‌جا ما با انبوهی از شبهات مواجه هستیم که هیچ کدام از آن‌ها را به ما یاد نداده‌اند! من در «آفریقا» بودم، در «ماداگاسکار» بودم، در «هندوستان» بودم در «آمریکا» بودم، در «سوریه» بودم، در «آذربایجان» و «گرجستان شوری» و غیره بودم، غالب طلبه‌های ما که از این‌جا می‌روند و در جامعه با انبوهی از این شبهات وارد می‌شوند ناراحت هستند که حوزه در این بخش؛ یعنی در پاسخگویی به شبهات با ما کار نکردند.

در هر صورت ...

دیدم این دو تا طلبه می‌گویند حاج آقا فلان شبهه را می‌گویند، گفتم این‌جا که نمی‌شود شبهه مطرح کرد و جواب داد، شما غروب بیایید در هتلی که ما هستیم. شب بعد از نماز مغرب و عشا در اطاق من آمدند، گفتم پسرم چه چیزهایی گفتند؟

گفت این مطالب را گفتند، گفتم این جوابش این است، دیدم چشم‌هایشان از خوشحالی برق زد گفت عجب! گفتم دیگر چه شبهه‌ای را مطرح کردند؟ گفت، من هم گفتم جوابش این است. گفتم دیگر چه؟ شبهه سوم را



مطرح کرد، خدا شاهد است این دو تا افتادند روی پای من و داشتند پای من را می‌بوسیدند نه دست من را!

گفتند فلانی شما فرشته نجات ما شدی، ذهن ما آن‌چنان آلوده شده بود، که نمی‌دانستیم چه کار کنیم!

گفتم این‌ها اصلاً حرف برای زدن ندارند مشکل مال شما است که خوب این مسائل را یاد نگرفتید و مطالعه نکردید. بزرگواران و مدیران این‌ها را به آن سمت هدایت نمی‌کنند؛ یعنی در میان این فرق اسلامی، حالا علمای اهل سنت «حنفی»، «شافعی»، «مالکی» یا «حنبلی» باشد، آدم وقتی که با این‌ها بحث می‌کند يك حرفی برای زدن دارند، يك ساعت - دو ساعت مقاومت می‌کنند؛ ولی وهابی‌ها این‌طوری نیستند، من شاید بیش از دویست و سی - چهل مناظره در خاك عربستان با دانشجویهای وهابی، با اساتید دانشگاه آنها و با مفتی اعظم‌شان داشته‌ام. به «ولله العلی الاعلی»، قسم به عصمت حضرت زهرا این‌ها به اندازه پنج دقیقه در برابر ما مقاومت کنند حرف ندارند!

همین جناب آقای «نواب» که الان در «شورای مدیریت» است و اکثر دوستان می‌شناسند، در «طائف» با من بود، مفتی اعظم دیگر بالاترین مقام علمی این‌ها است؛ یعنی جایگاهی مثل جایگاه «حضرت امام رضوان الله تعالی علیه» منهای تقوایش را در میان آن‌ها دارد و قدرتش هم به توان بیست است!

خدا شاهد است ما يك ساعت که با ایشان بحث کردیم، سه - چهار موضوع مطرح شد، در هر موضوعی که وارد شدیم والله حتی به اندازه پنج دقیقه در برابر ما نتوانست حرف بزند و مطلب ارائه بدهد! آن‌چنان در برابر استدلال‌ها و سؤالات ما جا ماند که خود معاونش اعتراض کرد، گفت شیخنا این جواب‌هایی که تو داری به این آقا می‌دهی، این‌ها جواب‌های صحیح و مناسبی نیست؛ یعنی خودشان باهمدیگر به جنگ افتاده بودند!

در هر صورت ...

دوستان عزیز! ما باید يك مقداری تلاش کنیم و از صدیقه طاهره یاد بگیریم و الگوبرداری کنیم، همان‌طوری که حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) می‌فرمایند:

«وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»

مادرم زهرا برای من الگوی خوبی است

طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، اجلد، دار المعارف الإسلامية - ایران

؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۶

برای ما طلبه‌ها هم در دفاع از حریم ولایت و امامت باید زهراى مرضیه الگوی خوبی باشد. ما از همین الان باید شروع کنیم يك ساعت - نیم ساعت و اگر نشد ده دقیقه وقت بگذاریم، همین چند روز قبل بود، من داشتم در اینترنت يك چیزی را ملاحظه می‌کردم، یکی از دانشمندان اروپایی يك کتابی به اسم «يك دقیقه پیش از غذا» نوشته است، در مقدمه‌اش می‌گوید من در آشپزخانه که می‌رفتم تا خانمم غذا را می‌آورد معمولاً یکی - دو دقیقه طول می‌کشید، من از همان يك دقیقه‌ها استفاده کردم بعد از دو - سه سال همین يك دقیقه‌های من يك کتاب چهار صد - پانصد صفحه‌ای شد!

ما روزی ده دقیقه يك ربع را به این کار اختصاص بدهیم، کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است مخصوصاً کتاب «المراجعات» که بهترین، زیباترین و ساده‌ترین کتاب برای این موضوع است را مطالعه کنیم. یعنی يك کسی که کلاس پنجم ابتدایی را خوانده باشد (ترجمه) این کتاب را مطالعه کند، مطالبش را متوجه می‌شود و می‌فهمد!

اضافه بر این که این کتاب يك گفتگو و مکاتباتی بین دو شخصیت طراز اول از اهل سنت و شیعه است. از آن طرف «شیخ سلیم بشری» استاد و شیخ «دانشگاه الازهر» يك عالم بلند آوازه‌ی اهل سنت است. در این طرف هم مرحوم «شرف الدین» يك فقیه مسلم و يك عالم بزرگ شیعه است. آن تمام توانش را به کار می‌برد از «سقیقه» دفاع کند، «علامه شرف الدین» می‌آید هم ادله او را نقد می‌کند و هم برای حقانیت امیرالمؤمنین

استدلال می‌کند و بعد از سی - چهل تا مکاتبه آخر «شیخ سلیم» تسلیم می‌شود و دستش را بالا می‌برد می‌گوید برای من ثابت شد که مذهب اهل بیت و مذهب شیعه حق است!

این يك نکته‌ای است که ما باید نسبت به حضرت زهرا (سلام الله علیها) داشته باشیم. امروز در رابطه با مسائل سیاسی هم دقت کنیم. عزیزان! من کاری به مسائل انقلابی و غیر انقلابی و این که چه کسی انقلابی و چه کسی ضد انقلاب است ندارم. من بارها در بحث‌هایم گفته‌ام، اگر ما وجدان انسانی و بشری داشته باشیم و برای زن و بچه‌مان احترام قائل باشیم، امنیت خودمان برایمان محترم و مهم باشد، نسبت به «ولایت فقیه» و رهنمودهای این «سید بزرگوار رهبر فرزانه» نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم!

امروز ایشان عمود خیمه‌ی نظام است. عرض کردم من با اسلامی بودن هم کار ندارم، يك نفر هست اصلاً مسلمان هم نیست، «کلیمی» و یا «زردشتی» است امروز اگر رهبری‌های این «سید» را ما حذف می‌کردیم، یقین داشته باشید زن و بچه‌های ما امنیت نداشت! ببینید که این‌ها در «سوریه» و در «عراق» چه بلایی سر مردم آوردند، الان در «افغانستان» چه گرفتاری‌هایی دارند.

من در کشورهای «اروپایی» و حتی در کشور «آمریکا» بودم، مردم در آن کشورها احساس امنیت ندارند. می‌گویند آقا ما که بچه‌هایمان بیرون می‌روند، نمی‌دانیم آیا دوباره به منزل برمی‌گردند و یا نه يك جوانی مسلسل به دستش می‌گیرد می‌آید بچه‌هایمان را در «دبستان» و در «دبیرستان» و مدرسه به رگبار می‌بندد؟

آیا ما شب باز هم در کنار یکدیگر سر يك سفره خواهیم نشست یا نه؟! در کره زمین خدا می‌داند امن‌تر از کشور ایران کشوری وجود ندارد. این را که داریم عرض می‌کنم از «هند»، «پاکستان»، «افغانستان» گرفته تا «آمریکا» و برخی کشورهای اروپایی من حضور داشته‌ام! این‌ها به امنیت ایران غبطه می‌خورند، این آقایانی که این همه دارند نق می‌زنند، حتی بعضی‌ها نسبت به شهدای مدافع حرم هم بی‌حیایی می‌کنند و آن‌ها را زیر سوال می‌برند که اگر این مدافعین حرم نبودند و رهبری‌های خردمندانه‌ی این «سید بزرگوار» نبود، خیلی عذر

می‌خواهم این را بی پرده می‌گویم معلوم نبود زن و بچه‌ی این‌ها روزی چند مرتبه با داعش جهاد نکاح می‌کردند!

یک روز برنامه‌ی زنده داشتم بارها گفتم یک آقای از «عراق» زنگ زد گفت فلانی پنج - شش ماه است همسرم، عروسم، دخترم را داعشی‌ها گرفتند نمی‌دانم چه سرنوشتی دارند و با صدای بلند شروع به گریه کرد!

الان هم دارم می‌گویم قلبم کباب می‌شود که برای یک مرد خیلی سخت و دشوار است که ناموسش اسیر باشد آن هم دست یک افرادی که از بشریت بویی نبرده‌اند.

نه تنها از اسلام بلکه از بشریت هم بویی نبرده‌اند که بچه شیر خواره را داخل روغن سرخ می‌کند روی برنج و جلوی مادرش می‌گذارد! بچه را جلوی مادر ذبح می‌کند، جنایاتی که این‌ها کردند در وحشی‌ترین ارتش‌های دنیا چنین جنایاتی شما سراغ ندارید. در تاریخ بخوانید به قولی می‌گویند «هیتلر» وحشی‌ترین ارتش را در دنیا تشکیل داد. «صهیونیست‌ها» و «اسرائیل» غاصب جنایات داعش را نداشته‌اند.

این هم نکته دیگر که ما باید در این زمینه دقت کنیم، عزیزانم! فرزندانم دشمن هم فهمیده نکته قوت «جمهوری اسلامی» عمدتاً به رهبری برمی‌گردد.

در هر صورت...

دوستان نکته‌ی دیگری که در قضیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) وجود دارد این است که زهرا‌ی مرضیه ملاک حقانیت شیعه است، شما صد تا دلیل برای حقانیت امیر المؤمنین بیاورید، او هم دویست تا دلیل برای حقانیت ابوبکر می‌آورد! شما کتاب‌های کلامی‌شان را ببینید «قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ یعنی حدود ۱۰۰۰ سال قبل بوده است.

ایشان برای اولین بار یکی از قوی‌ترین کتاب‌های ضد شیعه به نام «المغنی فی الإمامه» را نوشته است و «سید مرتضی» فرزند غیور زهرا آن‌چنان جوابی به او داد که برای همیشه «عبدالجبار» را مفتضح کرد. بعد از او

خیلی‌ها برای دفاع از «عبدالجبار معتزلی» آمدند مثل «تفتازانی» و «عضد الدین ایجی» و «سید جرجانی» ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند.

«فخر رازی» خودش را در «تفسیر کبیرش» هلاک کرده که بتواند فرمایشات «سید مرتضی» را زیر سوال ببرد؛ ولی خودش هم در آخر می‌گوید: والله اعلم! یعنی من نمی‌دانم این‌که دارم می‌گویم درست است یا درست نیست! شما صد تا دلیل می‌آورید آن‌ها هم دویست تا دلیل می‌آورند، آن وقت وجه جمع چیست؟

می‌گویند دعوا که نداریم علی هم خلیفه، ابوبکر هم خلیفه! علی چهارم، ابوبکر اول است! چه دعوایی داریم؟! خلع سلاح می‌کنند! برهان اساسی این است که شما وقتی حقانیت امیر المؤمنین را اثبات می‌کنید، باید در کنارش بطلان دیگران را اثبات کنید. بلکه بالاتر از این، اول بطلان دیگران را باید ثابت بکنید «لا اله» بگویید بعد «الا لله» بیاورید!

مادامی که افراد دیگری در این میدان ولایت و امامت دارند میدان‌داری می‌کنند شما دیگر آن‌جا نمی‌توانید میدان‌داری بکنید. وقتی آن شخص آمده در زمین شما بازی می‌کند و هر لحظه احتمال گل زدن است. شما باید به دست و پا بیفتید و فقط دفاع کنید. «علامه حلی» متوفای ۷۲۶ گل سرسبد فقها و متکلمین شیعه است. ایشان کتابی به نام «الفین»؛ یعنی دو هزار دارد هزار تا دلیل برای حقانیت امیر المؤمنین آورده و هزار تا دلیل برای بطلان خلافت ابوبکر و عمر و عثمان آورده است. باید این‌طوری باشد نباید فحش و توهین و جسارت داشته باشیم ولی استدلال، برهان سر جای خودش هست. به تعبیر شهید «مطهری» استدلال و برهان سر و کارش با عقل و منطق است.

این‌که بعضی‌ها در شبکه‌ها و فضای مجازی شروع می‌کنند خلفاء و عایشه را سب و لعن می‌کنند، این‌ها مشخص است منطق ندارند، کسی فحش می‌دهد که بی‌منطق است، شما اگر به مقدسات آن‌ها فحش بدهید

حتی بچه شیعه هم حرف شما را بشنود می‌گوید معلوم است این آقا منطقی ندارد اگر منطقی داشت فحش نمی‌داد!

حتی بچه شیعه در استدلال شما تشکیک می‌کند. ائمه (علیهم السلام) این‌چنین نبودند «مفضل» با «ابن ابی العوجاء» کسی که ملحد و منکر خدا است بحث می‌کند «ابن ابی العوجاء» یک تعبیر زشتی نسبت به خدا دارد؛ «مفضل» عصبانی می‌شود شروع می‌کند به فحش دادن و توهین کردن به او که ای ملحد! فاسد! فاسق! «ابن ابی العوجاء» آرام است. می‌گوید «مفضل»! تو شاگرد امام صادق هستی؟ می‌گوید بله! «ابن ابی العوجاء» می‌گوید: من بارها تعبیر بدتر از این را پیش امام صادق گفته‌ام ولی حتی یک مورد امام صادق این‌طور مثل تو به من فحش نداد و توهین نکرد! اگر تو تربیت یافته امام صادق هستی این چه وضعی است؟! - عزیزان به این نکات دقت کنند -

آیت‌الله العظمی «خویی» در شرح حال «مفضل» می‌گوید در فضیلت و جایگاه و مقام والای «مفضل» همین بس که امام صادق یک کتاب مخصوصی در «توحید» برای او املاء کرده است.

شما ببینید کتاب «بحار الأنوار» در مورد بحث «مفضل» و «ابن ابی العوجاء» این‌طوری دارد، «ابن ابی العوجاء» به «مفضل» می‌گوید:

«وَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا يُخَاطِبُنَا»

«مفضل»، اگر تو شاگرد امام صادق هستی، امام صادق این‌طوری با ما تندی نمی‌کرد.

«وَ لَا بِمِثْلِ دَلِيلِكَ يُجَادِلُنَا»

این‌طور دلیل‌های بی‌سر و ته برای ما نمی‌آورد.

«وَ لَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ»

بیشتر از این که تو شنیدی ، امام صادق از من شنید

«فَمَا أَفْحَشَ فِي خِطَابِنَا»

ولی کوچکترین فحشی خطاب به ما از امام صادق صادر نشد.

«وَلَا تَعْدَى فِي جَوَابِنَا»

در پاسخهای ما، هرگز از حق تعدی نکرد.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱جلد،

دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۳؛ ص ۵۸»

ولذا اگر ما می‌آییم طرف مقابل را نقد می‌کنیم، نقدمان باید نقد عاقلانه و مؤدبانه و مستدل باشد، نه فحش و ناسزا و توهین و غیره! اگر شما می‌خواهید عقده دل وا کنید هیچ مسئله‌ی نیست؛ ولی اگر می‌خواهید طرف مقابل را هدایت کنید نمی‌شود که شما به مقدسات او فحش بدهید بعد انتظار داشته باشید او حرف شما را قبول بکند! اصلاً عقلاً صحیح نیست.

در رابطه با قضیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) این نکته‌ی که عرض کردم کاملاً در بطلان غیر حضرت علی مشخص است؛ از این طرف شما ببینید در مورد صدیقه طاهره (سلام الله علیها) پیغمبر می‌فرماید:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب

البعاء، ج ۳، ص ۱۳۶۱، ح ۳۵۱۰

عرض کردیم «صحيح بخارى» بعد قرآن اصح کتب در نزد اهل سنت است در جای دیگر می گوید:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتُ»

صديقه طاهره از ابابکر غضبناک شد...

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب

البغا، ج ۳، ص ۲۹۲۶.

از آن طرف هم دارد:

«فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

غضب زهرا، غضب من پیغمبر است.

در روایت «حاکم» دارد:

«إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

خدای عالم، با غضب تو خشمگین می شود و با رضایت تو خشنود می شود.

المستدرک على الصحيحين ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ۴۰۵

هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد

القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳۰

شما توجه بفرمایید که بیش از ده تا از علمای اهل سنت این روایت را آورده اند و تصحیح کرده اند مثل «حاکم

نیشابوری» در «مستدرک».



در «صحيح مسلم» به همین شکل دارد:

«فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ قَالَ فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تَكَلِّمْهُ حَتَّى تُؤْفَيْتِ»

صحيح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار

النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۳۸۰، ح ۱۷۵۹

وقتی این قضیه پیش می‌آید از آن طرف هم خدای عالم می‌فرماید که:

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا)

بی‌گمان کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می‌رسانند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۵۷

(وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)

و کسانی که پیامبر خدا را آزار می‌رسانند عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت

سوره توبه (۹): آیه ۶۱

از آن طرف دارد:

(مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است.

سوره نساء (۴): آیه ۸۰

از آن طرف هم خدای عالم می‌فرماید:

**(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده به دوستی مگیرید

سوره ممتحنه (۶۰): آیه ۱۳

پس غضب زهرا، غضب پیغمبر، غضب زهرا، غضب خدا! زهرا بر ابوبکر غضب کرده قرآن می‌گوید:

**(لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)**

کسی که خدا بر او غضب کرده او را به عنوان ولی و امام و خلیفه و دوست انتخاب نکن! یعنی قضیه حضرت زهرا می‌آید کاملاً زمینه را برای استدلال به حق از ساحت مقدس امیر المؤمنین (سلام الله علیه) فراهم می‌کند، خیلی از بزرگان اهل سنت، حتی اندیشمندان وهابی با دیدن همین روایت:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»**

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا، ج ۳، ص ۱۳۶۱، ح ۳۵۱۰

به مذهب شیعه کشیده شدند. بعضی از این‌ها کتاب مستقلی نوشتند در اینترنت بگردید و در نرم افزارهای

علوم اسلامی هست. مثل کتاب «نور فاطمه اهتدیت»؛ با نور فاطمه من به راه حق هدایت شدم!

یک عالم مراکشی چندین تألیف دارد سی - چهل سال مبلغ «مکتب سقیفه» بوده ولی با دیدن این روایت:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»**

و روایت دیگر:

«فَعَصِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»

و آیه قرآن:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده به دوستی مگیرید

سوره ممتحنه (۶۰): آیه ۱۳

قضیه برایش روشن می‌شود و نمی‌تواند جواب بدهد!

لذا این قضیه، قضیه روشنی است که صدیقه طاهره، رفتار و گفتارش، حقانیت علی را تثبیت می‌کند و خط بطلان به جبهه مخالف علی می‌کشد، ولذا وهابی‌ها و حتی بعضی از اهل سنت از قضیه زهرای مرضیه خیلی عصبانی هستند، حتی یکی - دو هفته قبل یکی از علمای «زاهدان»، «مراد زهی» عقل منفصل «عبدالحمید» است در فضای مجازی نوشت آن‌هایی که در ایام فاطمیه قائل به شهادت حضرت زهرا هستند و برای فاطمه زهرا عزاداری می‌کنند همه این‌ها منافق هستند!

دوستان ما با او تماس گرفتند و گفتند در بیت رهبری دارند عزاداری می‌کنند، گفت هر کس می‌خواهد باشد! عزاداری کند برای ما فرقی نمی‌کند؛ یعنی این قدر این‌ها بی‌حیاء شدند!

حالا مراکز امنیتی چه کار دارند می‌کنند ما نمی‌دانیم! همین آقا پنج - شش ماه قبل داشت در فضای مجازی برای داعشی‌های «سوریه» پول جمع می‌کرد!!

من ده - دوازده سال قبل با ایشان در شبکه «سلام» یک ساعت و نیم، دو ساعت مناظره‌ای داشتم. بیچاره‌اش کردیم به طوری که علمای «زاهدان» گفتند تو احمق بلد نیستی مناظره کنی آن‌جا رفتی و آبروی ما را بردی!

بچه مذهبی‌های ما، خود نماینده رهبری وقتی مناظره ما را دیدند، گفتند ما ۱۴ هزار سی دی زدیم و در کل استان پخش کردیم. اگر مردی بیا حرف بزن! البته مناظره‌ای که من با ایشان داشتم به صورت کتاب مستقل هم چاپ شده و آن را در سایت ولیعصر هم گذاشتیم، موضوع مناظره‌ی ما هم بحث شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود.

من در شبکه «المستقله» که مال وهابی‌ها است آن زمان بیش از ۷۰ میلیون بیننده داشت، سه شب به دستور آقایان مراجع در موضوع شهادت حضرت زهرا مناظره کردم، سه تا از وهابی‌های سرشناس معاصر که یک نفر را به اسم «دکتر ابو شوارب» از دانشگاه «اسکندریه» مصر آورده بودند، یکی دیگر را به اسم «حسین حسینی»، کارشناس «سریال معاویه» از «بحرین» آورده بودند و «دکتر هاشم» هم که خودش یلی بود همه کنار هم بودند. سه نفر یک طرف بود من هم در طرف دیگر بودم. این مناظره هم به عربی چاپ شده است و روی سایت هم هست. ببینید این‌ها در میدان بحث علمی حرفی برای زدن ندارند؛ ولی می‌دانند که قضیه ایام فاطمیه و قضیه شهادت حضرت زهرا، کل مبانی فکری و اعتقادی این‌ها را به هم می‌زند؛ لذا در فضای مجازی شروع به فحش دادن و توهین کردن و اهانت کردن و برچسب نفاق زدن و غیره می‌کنند.

حتی روی همین روایت:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶،

دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البيغا، ج ۳، ص ۱۳۶۱، ح ۳۵۱۰

در شبکه‌های ماهواره‌ای‌شان و فضای سایبری و مجازی‌شان «الی ماشاء الله» شبهه وارد کردند، دارند که آقا شما خبر ندارید اصلاً قضیه:

## «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»

به ضرر شیعه است این قضیه به خاطر این بود که حضرت علی (سلام الله علیه) داشت می‌رفت از دختر

«ابوجهل» خواستگاری کند پیغمبر فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»!!

«ابن تیمیه» بزرگ نظریه پرداز وهابی‌ها است. شما ببینید ایشان در کتاب «منهاج السنة النبویه»، به قول علامه

«امینی»، «منهاج البدعة الامویه»! می‌گوید:

«فسبب الحديث خطبة علي رضي الله عنه»

–عرب به خواستگاری «خطبه» می‌گوید، «خطبه» سخنرانی است «خطبه» خواستگاری است، اگر شما ادبیات را

خوب نخوانید یک دفعه بیاید بگوئید «خطبة علي لبنت ابي جهل» همه به شما می‌خندند، ولذا ادبیات ما باید

خیلی قوی باشد–

«خطبة علي رضي الله عنه لابنة ابي جهل»

علی رفته بود از دختر «ابوجهل» خواستگاری کند

منهاج السنة النبویه ، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرائي أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة – ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ٢٥١

(نستجیر بالله) فاطمه زهرا، عصبانی شد هوو سرش می‌آید پیش پیغمبر رفت گفت بابا! علی دارد برای من

هوو می‌آورد، پیغمبر هم بالای منبر رفت آی ایها الناس علی می‌خواهد سر دختر من هوو بیاورد اگر علی

می‌خواهد برود زن بگیرد دختر من را طلاق بدهد!!

یک بساطی درست کردند «الی ماشاء الله»!

این یکی از شبهات اساسی است که در محوریت صدیقه طاهره مطرح می‌کنند. خوب دقت کنید و این جواب در ذهن مبارکتان باشد، شما ببینید همین قضیه‌ای را که «منهاج السنه» «ابن تیمیه» مفصل مطرح کرده می‌گوید علی رفته بود از «جُویریه» دختر «ابوجهل»، خواستگاری بکند پیغمبر ناراحت شد و می‌گوید این قضیه در «صحیح بخاری» هم هست، «صحیح بخاری» چه دارد؟ خوب دقت کنید این اصل روایتی است که این‌ها آوردند:

«حدثنا قتيبة حدثنا ليث ابن سعد، ابن ابي مليكة -قاضي القضاة مكة در زمان عبدالله ابن زبیر بود- عن مسور ابن مخرمه»، یکی از راههایی که ما باید جواب بدهیم ببینیم این کسانی که این حدیث را نقل کرده‌اند هویت‌شان چیست؟ سابقه و پرونده‌شان را بیرون بکشیم. معمولا در آگاهی و غیره هر کسی را می‌گیرند ابتدا کل سابقه او را بیرون می‌کشند که چه سابقه‌ای دارد! ما از همین بالا می‌گیریم کاری به پایینی‌ها نداریم. «مسور» نقل می‌کند که حضرت علی رفته بود از دختر «ابوجهل» خواستگاری کند!

حالا «مسور» چه کاره است؟ این نکته را دقت کنید این کتاب «الاصابه فی تمییز الصحابه» است پرونده تمام صحابه را «ابن حجر» آورده «رطب و یابسی» نسبت به صحابه نمانده که «ابن حجر» آن را نیاورده باشد. قبل از «ابن حجر» شرح حال صحابه را «ابن عبدالبر» در «الاستیعاب» داشته «ابن اثیر» در «اسد الغابه» داشته و دیگران داشتند، «ابن حجر» متولد ۸۵۲ است در حقیقت قرن ۹ هجری است.

شرح حال حدود هزار نفر از صحابه را آورده پرونده‌شان را بیرون کشیده است. برای آن‌ها چه اتفاقی افتاده چه موقع به دنیا آمده‌اند؟ چه کار کرده‌اند و چه کار نکرده‌اند؟ همه را آورده حالا ما ببینیم که این کتاب در رابطه با «مسور» چه دارد؟ درباره «المسور» می‌گوید:

«وكان مولده بعد الهجرة بسنتين»

«مسور» دو سال بعد از هجرت پیغمبر به دنیا آمد

الإصابة في تمييز الصحابة ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة:

٨٥٢ ، دار النشر : دار الجيل - بيروت - ١٤١٢ - ١٩٩٢ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : علي محمد البجاوي، ج

٦، ص ١١٩، ح ٧٩٩٩

یعنی ایشان سال دوم هجرت به دنیا آمده، خواستگاری چه موقع بود؟ استاد «توفیق ابو علم» از اساتید «الازهر» است، می‌گوید این خواستگاری سال ۲ هجرت بوده! به قول معروف چه می‌خواستیم چه شد! در زمان خواستگاری (فرضی) این بابا یا به دنیا نیامده، یا در شکم مادرش بوده یا در دامن مادرش داشته پستانک می‌خورده!

جواب باید یک طوری باشد طرف گیج بشود! از حرف زدنش پشیمان بشود، تنبیه بشود که بعد از این چنین جمله‌ای را نسبت به ساحت اهل بیت بکار نبرد؛ یعنی باید جواب یک طوری باشد که اصلاً دیگر فکر طرح شبهه نکند!

آقای «ابن تیمیه» تو که این همه با آب و تاب دروغ می‌گویی، این روایتی که داری نقل می‌کنی از این آقا است!

حال کاری به این نداریم که «مسور بن مخرمه» از «خوارج» بوده!

آقای «ابن تیمیه» بگیر آن اولی! این هم دومی: در «صحیح مسلم» هم آمده این آقا (مسور بن مخرمه) خودش نقل می‌کند که در زمان رحلت پیغمبر ۸ سالش بوده می‌گوید من هفت - هشت ساله بودم که برای درست کردن ساختمانی سنگ می‌بردیم - الان هم عرب‌ها معمولاً يك لنگی می‌بندند و دلداده می‌پوشند - ایشان می‌گوید لنگم افتاد و آنچه که نباید هویدا بشود هویدا شد! می‌گوید همین‌طور می‌رفتم پیغمبر من را دید گفت:

«أزجِعْ إِلَى ثَوْبِكَ فَخُذْهُ وَلَا تَمْشُوا عُرَاةً»

برگرد لباست را بیوش این‌طور لخت و عریان راه نرو!

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۳۴۱

این بابا این‌قدر شعور ندارد که جلوی پیغمبر و صحابه لخت مادرزاد راه می‌رود! بعد این بابا آمده برای ما داستان سرایی می‌کند بله: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِئِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»؛ به خاطر خواستگاری علی از دختر «ابوجهل» است! البته خیلی جواب داریم ما در این مورد ده - دوازده تا جواب داده‌ایم؛ ولی دو تا جواب بس است که این بابا این‌قدر شعور و عقل ندارد که جلوی پیغمبر لخت مادرزاد راه نرود! پیغمبر به او فرمود: عریان راه نرو!

جلوی پیغمبر و صحابه لخت مادرزاد دارد راه می‌رود، بعد این آقا آمده یک داستانی را درست کرده برای این‌که بیاید از عقاید خودش دفاع کند بلکه توپ را به زمین شیعه بیاندازد!

در هر صورت ...

من بیش از این مصدع شما نشوم ان شاء الله عزیزان ما خوب روی «محوریت ولایت» تلاش کنند توصیه من این است که ان شاء الله درس‌های‌تان را خوب و محکم و قوی بخوانید. طلبه‌ای که کتاب را می‌خواند از نصف گذشت نتواند تدریس کند به درد نمی‌خورد باید از اول شروع کند، آن‌طور بخوانید که کتاب از نصف گذشت بتوانید از اول تدریس کنید این‌طور خواندن به درد می‌خورد.

توسل به اهل بیت هم یادتان نرود مخصوصاً توسل به صدیقه طاهره را فراموش نکنید. خود ائمه (علیهم السلام) در شدائد به صدیقه طاهره متوسل می‌شدند، آقا امام باقر تب خیلی شدیدی می‌گیرد متوسل به حضرت زهرا می‌شود، آقا امام هادی و امام جواد (سلام الله علیهما) به همین شکل؛ صدیقه طاهره محور است «فاطمه وابوها وبعلها وبنوها»؛ ان شاء الله خدای عالم بر توفیقات‌تان بیافزاید



**پرسش:**

استاد ببخشید! روضه‌ای که در روضه‌ها در مورد وقایع کوچه و حضرت زهرا می‌خوانند در کتابی نقل شده است؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

کتابی آقای «عبد الزهرا» به نام «الهجوم علی بیت فاطمه» نوشته، مفصل‌ترین کتاب از نظر تتبع است. نه از نظر تحلیل، -ایشان تحلیل ندارد-. از نظر تتبع، بهترین کتابی است که در رابطه با حوادث حمله به خانه حضرت زهرا، تعداد حمله‌ها، قضیه کوچه همه را آورده است.

**پرسش:**

حاج آقا! ایشان برای چه سالی هستند؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ایشان معاصر است از علمای «اصفهان» است «عبد الزهرا» اسم مستعار است. اسم خودش نیست.

**پرسش:**

آن وقت حرف ایشان مستند به کتابی است؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بله، ایشان از کتاب‌ها نقل می‌کند، ایشان در کتاب «الهجوم علی بیت فاطمه» هر مطلبی را که می‌آورد همراه با آدرس است، هر صفحه‌ی کتاب را که شما نگاه کنید همراه با آدرس است مثلاً «کفایة الاثر»، «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید، «ارشاد» شیخ مفید، «امالی» شیخ طوسی، «مصباح الانوار» همه را آدرس داده من گفتم ایشان تتبع خوبی دارد، تحلیل‌گر خوبی نیست.

تحلیل‌گیر خوب می‌خواهید «سید جعفر مرتضی» است، ایشان تحلیل‌گر خوبی است و تحلیل خوبی دارد. ایشان هم کتابی دارد اگر اشتباه نکنم به نام «مأساة الزهرا» در دو جلد است. این دو تا کتاب را کنار هم بگذارید در «تتبع» «عبد الزهرا» قوی‌تر است در «تحلیل» «سید جعفر مرتضی» قوی‌تر است.

خدایا، قسمت می‌دهیم به آبروی حضرت زهرا به آبروی حضرت زهرا فرج فرزند حضرت زهرا، آقا حجت ابن الحسن را نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما. خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت بالاخص «مقام معظم رهبری» و «مراجع عظام» موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. عزیزان ما در «یمن» به دست دژخیمان «آمریکا» و «صهیونیسم» و «آل سعود» گرفتار هستند، خدا به آبروی زهرای مرضیه به آن‌ها نصرت نهایی کرم بفرما. خدایا حوائج همه، حوائج جمع ما به آبروی زهرای مرضیه برآورده نما. دعا‌های ما به اجابت برسان. هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ